

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۳ □ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۱۵

تکلیف‌گرایی و تأثیر آن بر جایگاه ملی‌گرایی در مسأله صدور انقلاب (ملاحظه‌ای بر صدور انقلاب در دهه ۱۳۶۰)

محمد طهماسبی برنا

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب

اسلامی، تهران، ایران

e-mail: mtahmasebi39924@gmail.com

دکتر ابراهیم متقی

استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

e-mail: emottaghi@ut.ac.ir

چکیده

یکی از مسائل مهم انقلاب‌ها، مسئله تعامل با محیط بین‌المللی است. با توجه به این‌که در همه انقلاب‌های بزرگ که داعیه جهان‌شمولی دارند، انقلابیون بر این باور هستند که اصول انقلاب برای دیگر جوامع کاربرد دارد و این امر مسئله صدور انقلاب را بعد از پیروزی انقلاب‌ها به وجود می‌آورد. انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب‌های بزرگ در جهان معاصر است که با توجه به ماهیت خود، موضوع صدور انقلاب در آن از همان ابتدا مورد توجه قرار گرفت. صدور انقلاب اسلامی با تأکید بر جهانی‌بودن و تعریفی جهان‌شمول از رسالت‌های انقلابی خود، فضای مشخصی از صدور انقلاب اسلامی را در دهه شصت ترسیم نمود. رهبری کارزماتیک امام خمینی و تأثیر اندیشه‌های ایشان در ساختار کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی مسئله صدور انقلاب اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داد. غلبه آرمان‌های ایدئولوژیک، محوری منبعث از بنیان‌های جهان‌شمول اسلامی در مسئله صدور انقلاب، باعث به حاشیه رفتن مفاهیم نژادی و ملی در شکل‌بندی غالب صدور انقلاب در ده سال اوایل انقلاب گردید. این مقاله تلاش دارد تا جایگاه ملی‌گرایی و مفاهیم ملی را در گفتمان مسلط صدور انقلاب اسلامی در دهه شصت بررسی نماید؛ در این راستا مسئله صدور انقلاب را در دهه ۱۳۶۰ از منظر شخصیت‌های انقلابی مورد بررسی قرار خواهد داد.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی‌گرایی، صدور انقلاب، ملی‌گرایی، انقلاب اسلامی.

طرح مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی و ماهیت اسلام سیاسی انقلاب ایران، تأثیر بسیاری در شکل‌گیری مفهوم صدور انقلاب اسلامی با ماهیت ایدئولوژیک دارد. این رویکرد در تمامی دهه شصت به‌عنوان رویکرد غالب در ساختار رسمی سیاست خارجی ایران تثبیت گردید. تأثیر اندیشه فقهی امام خمینی در گفتمان مسلط ایدئولوژیک محور صدور انقلابی باعث گردید تا رسالت صدور انقلاب با اهداف رهایی تمامی جامعه بشری از زیر ظلم استکبار و ترسیم یک دوگانه ستم و ستمگر یا ظالم و مظلوم تعریف گردد. رخداد جنگ تحمیلی و کمک‌های قدرت‌های غربی و شرقی به حزب بعث در جلوگیری از صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی، نقش مهمی در تشدید شدن و مسلط شدن رویکرد ایدئولوژیک محور داشته است.

در طول جنگ تحمیلی که تقریباً تمامی دهه شصت را تحت تأثیر خود قرار داده بود، امام خمینی این جنگ را، جنگی فراملی و بزرگ‌تر از نزاع بین دو کشور می‌دانست و از این جنگ به جنگ اسلام با کفار و جنگ مظلوم با ظالم تعبیر کردند؛ (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴۶؛ همچنین ر. ک خمینی، ۱۳۸۹: ۱۸۱-۱۸۳)؛ لذا شاخص‌های صدور انقلاب با محتوای دفاع مقدس هماهنگ گردید. رویکرد جهانی و فراملی صدور انقلاب با استفاده حداکثری از مضامین وحدت‌بخش بین مسلمانان در ساختار سیاسی قرار گرفت که از مهم‌ترین ویژگی‌های صدور انقلاب در ساختار سیاسی _ ایدئولوژیک برآمده از انقلاب بوده است. با پایان جنگ تحمیلی و رحلت امام خمینی در سال‌های پایانی دهه شصت، رویکردهای دیگری از صدور انقلاب که در آن مفاهیم ملی مد نظر بود، مورد توجه قرار گرفت. الگوسازی ساختار انقلابی برای پذیرش در بین ملت‌ها مهم‌ترین شاخصه این رویکرد بود که روند، زمینه‌ها و علل این تحول در ساحت صدور انقلاب در دهه شصت امری مهم و قابل تأمل است.

این مقاله در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که ملی‌گرایی در ده سال نخست انقلاب چه جایگاهی در رویکرد صدور انقلاب داشته، چه تحولاتی را پشت سر گذاشته و در مقابل عوامل مختلف بیرونی و درونی تأثیرگذار بر انقلاب، چه تطوراتی را پشت سر گذاشته است؟

صدور انقلاب

آشوری مفهوم صدور انقلاب را مجموعه اقداماتی می‌داند که حکومت پیروز شده در یک انقلاب برای ترویج شکل مشابه آن به خارج انجام می‌دهد و نسخه صادر شده به‌عنوان یک نمونه جهانی به تمام دنیا عرضه می‌گردد (آشوری ۱۳۸۷: ۱۳۱). صدور انقلاب به این معناست که انقلابیون تلاش می‌کنند اهداف و رسالت‌های انقلاب خود را به فعلیت برسانند و انقلاب خود را به‌عنوان نمونه‌ای ایده‌آل برای سایرین عرضه نمایند. به این ترتیب صدور انقلاب در واقع نقطه عطفی است که انتشار تمامی پیام‌های انقلاب را میسر می‌کند (کریمی: ۱۳۹۰: ۴۹). بنابراین، مفهوم «صدور انقلاب» در این پژوهش اقدام و سیاستی است که از طرف دست‌اندرکاران انقلاب برای تأثیرگذاری در سایر جوامع اتخاذ می‌گردد. معانی مختلفی از این مفهوم را می‌توان در انقلاب‌های مختلف موردنظر قرار داد که عبارتند از: آگاهی بخشی به سایر مردمان در جوامع مختلف، رهایی بخشی و کسب آزادی برای سایر جوامع، ایجاد انقلاب‌های پی‌درپی جهت رسیدن به هدف موردنظر، اشاعه و گسترش آموزه‌های انقلابی موردنظر در دیگر گروه‌ها به شکل‌ها و روش‌های مختلف (فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۶۱). به این ترتیب در این پژوهش با توجه به اهداف تعیین شده، این مفهوم از صدور انقلاب موردنظر است.

مبانی ایدئولوژیکی صدور انقلاب در ایران

به طور کلی ادیان، حامل پیام‌هایی فراملی و مخاطبانی فراتر از مرزهای مرسوم امروزی کشورها هستند. به همین خاطر، اغلب جوامع، دین را منبع سعادت و خوشبختی را در پناه آن ممکن دانسته‌اند. از این رو، دین همواره به مثابه اهرمی قوی تلقی شده که از تضييع حقوق محرومان جلوگیری خواهد کرد. همچنین به باور پیروان دینی، در دین، دستورالعمل‌های فرهنگی خاصی اعمال شده است که موجب حفظ حقوق انسانی و اجرای بایدها و نبایدهای اخلاقی می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۲: ۶۹). از آنجایی که عنصر دین و مذهب در انقلاب اسلامی ایران جایگاه والایی دارد و در این راستا، توانسته بستر گسترده‌ای برای طرح و تحقق آرمان‌های صدور انقلاب در انقلاب اسلامی ایران باشد، بنابراین انقلاب اسلامی ایران که در بستری دینی قابل بررسی است، اسلام را الگوی خود معرفی می‌کند و در چارچوب آن، به انسان و جهان پیرامون آن می‌نگرد؛ لذا اساس ایده‌های انقلاب اسلامی را می‌توان در یک بستر مذهبی به نام اسلام شیعی واکاوی کرد. مذهبی که حداقل از زمان قدرت‌گیری صفویه در ایران همواره حافظ هویت ملی، استقلال و حامی بسیج مردمی تلقی می‌شده است (اسپوزیتو، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

مبانی اعتقادی انقلاب اسلامی، ایدئولوژیک و آرمان‌گرایانه بود و با این شعار که اسلام مرز نمی‌شناسد، رسالت خود را جهانی قلمداد می‌کرد و به دنبال گسترش ایده‌های انقلابی حرکت می‌کرد (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۶۳). انقلاب اسلامی ایران مخاطبان خود را نه تنها ملت ایران، بلکه تمام ملل جهان قرار می‌داد. همان‌گونه که انقلاب‌های بزرگ با جهان وطن‌گرایی خود نخست به آرمان‌ها و اهداف خویش ابعاد و مضامین جهانی می‌بخشند و سپس با نفی ناسیونالیسم و ملی‌گرایی، مخاطبان خود را مردم سراسر زمین می‌پندارند و حکومت برخاسته از این انقلاب‌ها، در تنظیم و اجرای راهبردها و سیاست‌گذاری‌های کلان خود، عرصه‌ای فراملی و جهانی را مدنظر قرار می‌دهند (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸). به نظر می‌رسد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز این شاخصه ماهیتی انقلاب اسلامی بر تمام ساختار و نهادهای برآمده از آن نیز تأثیری مستقیم داشته و توانسته رویکردها و

شکل‌بندی‌های موجود در ساختار سیاسی انقلاب اسلامی را با این ماهیت جهان‌شمولی و فرامرزی ترسیم نماید. بر همین اساس و با توجه به این وجه مهم و قابل توجه انقلاب مسئله صدور انقلاب به‌عنوان یکی از چالشی‌ترین موضوعات در عرصه بین‌المللی، موضوع پژوهش بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان بوده است.

پیشینه پژوهش

در مورد صدور انقلاب اسلامی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است، ولی تاکنون پژوهشی به‌صورت مستقل در باب مسئله ملی‌گرایی در صدور انقلاب در دهه شصت با توجه به تحولاتی که به حاشیه رفتن آن کمک کرده باشد، پرداخته است. در ذیل به چند نمونه از آن‌ها که به‌صورت کلی به مسئله صدور انقلاب اسلامی پرداخته‌اند، به‌صورت تیتروار اشاره می‌گردد:

- فرزندی اردکانی، عباسعلی. (۱۳۸۶) «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی»، پژوهشنامه متین، شماره ۳۶، صص ۲۰۰-۱۸۱.

- پروانه، محمود. (۱۳۸۸) «صدور انقلاب؛ به مثابه نقشه راه جهان‌گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، فصلنامه علمی انسان پژوهی دینی، دوره ششم، شماره ۱۹، صص ۱۸۳-۱۷۱.

- اطهری، حسین و زمانی سمیه. (۱۳۹۲) «تحلیل انتقادی گفتمان صدور انقلاب امام خمینی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۹۰-۷۱.

- فتحی، یوسف. (۱۳۹۳) «نسبت صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۱۷-۹۷.

فرضیه پژوهش

به نظر می‌رسد مفهوم ملی‌گرایی در ده سال بعد از انقلاب اسلامی نه تنها به دلیل محوریت و تسلط رویکرد ایدئولوژیک به حاشیه رفت، بلکه با رخداد جنگ تحمیلی و تعریفی که از

جنگ، با ماهیت فرامرزی و اعتقادی شد، بیشتر به حاشیه رانده شد و در اواخر دهه شصت با رویکرد هاشمی رفسنجانی دوباره مورد توجه قرار گرفت.

بحث و یافته‌های پژوهش

رویکردهای مختلف صدور در انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی رویکردهای مختلفی برای صدور انقلاب شکل گرفت. این رویکردها و جبهه‌گیری‌ها با توجه به مشرب‌های فکری و عقیدتی در طیف‌های مختلفی طبقه‌بندی شدند که در این پژوهش تنها به یک طبقه‌بندی اجمالی در صدور انقلاب می‌پردازیم و در کنار آن تلاش می‌کنیم تا مهم‌ترین ویژگی‌های صدور انقلاب را در رویکردهای مختلف بررسی نماییم.

طرفداران ایجاد ساختار انقلاب به‌عنوان الگوی نمونه در جهان

طرفداران این رویکرد با اولویت‌بندی شرایط داخلی بر این باور بودند که با ساخت یک الگوی ایده‌آل و معرفی و شناساندن این الگو به ملت‌های جهان، الگوی انقلاب اسلامی، آرمان‌ها و کارکردهای آن به‌صورت ارادی و مشتاقانه از سوی ملت‌ها و دولت‌های دیگر مورد پذیرش قرار خواهد گرفت. طرفداران این رویکرد معتقد بودند با ساخت یک واحد و الگوی نمونه در داخل، تمامی هزینه‌های اضافی مربوط به صدور انقلاب به شیوه‌های دیگر حذف خواهد شد. این رویکرد به دنبال یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز با دنیای بیرون و خواستار روابط خوب با همسایگان و دولت‌های دیگر بود. این رویکرد به دنبال پرهیز از هرگونه حساسیت‌زایی و ایجاد چالش در روابط با همسایگان بوده و اعتقاد داشت نباید در قبال جامعه جهانی موضعی تعرضی داشت. به‌طور کلی طرفداران این رویکرد، در رابطه با صدور انقلاب طرفدار یک سیاست مسالمت‌آمیز به همراه صرف تمامی تلاش‌ها برای ایجاد یک الگو به‌عنوان دستاورد انقلاب بوده و هستند. مهم‌ترین ابزار در این شیوه صدور تبلیغ کارکرد، عملکرد دولت، ساختارهای برآمده از انقلاب، کنترل افکار و اذهان ملت‌ها،

دولت‌ها و به‌طور کل مردم جهان با ارائه یک الگوی نمونه است. آنان معتقد بودند «تبلیغ وقتی می‌تواند مؤثر باشد که خود مبلغ نمونه باشد» (بازرگان، ۱۳۸۹: ۶۹). طرفداران این رویکرد اعتقاد دارند «برخلاف انقلاب مستمر که در صد ایجاد انقلاب‌های مشابه یا تأسیس حکومت اسلامی مشابه جمهوری اسلامی است، مدل انقلاب مستقر در برپایی یک دولت نمونه اسلامی در ایران و سپس تبیین و ترویج آن برای دیگران است. این دولت سرمشق حکومتی اسلامی، عدالت‌طلب، استکبارستیز، صلح‌طلب و سنگر انقلاب است که باید به کشورهای مسلمان و مستضعفین معرفی شود» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۲).

طرفداران صدور ارزش‌های انقلاب (صدور نرم)

این رویکرد بر جنبه فرهنگی و مسالمت‌آمیز صدور تأکید می‌کند. طرفداران این رویکرد توجه به عنصر فرهنگی و استفاده از حداکثر اشتراکات فرهنگی و تاریخی را بسیار مؤثرتر از سایر رویکردها به‌خصوص رویکرد نظامی می‌پندارند. به همین دلیل بیش از آن که در جهت اقدامات مسلحانه و کاربرد روش‌های خشونت‌آمیز تأکید کنند، بر موضوعات و زمینه‌های دیگر همچون آگاهی‌بخشی، توجه به اشتراکات فرهنگی و تاریخی و استفاده مناسب و حداکثری از این مضامین توجه دارند و همچنین با تأکید بر یک حافظه تاریخی در برخورد با دشمنان انقلاب و برای ایجاد یک جبهه فرهنگی واحد علیه دشمنان مشترک تلاش می‌نمایند. انجام اقدامات مربوط به صدور انقلاب در این رویکرد بر زمینه‌های فرهنگی استوار است و تأثیر این عامل را هم در فطرت مشابه انسان‌ها و هم در اشتراکات اجتماعی بسیار سودمندتر از سایر رویکردها و روش‌ها دانسته می‌شود. در این رویکرد که بیشتر به رویکرد امام خمینی در مسئله صدور انقلاب نزدیک است، توجه به وحدت بین مسلمین و استفاده از نتایج انقلاب اسلامی و به‌کارگیری نتایج معنوی آن در بیداری ملت‌های منطقه در محوریت قرار دارد.

امام خمینی با تاسی بر مشی پیامبران و به ویژه پیامبر اسلام در دعوت جهانیان به توحید و ارزش های اسلامی، تصریح می کنند که ما می خواهیم معنویت انقلاب اسلامی مان را به جهان صادر کنیم (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). همینطور با تأکید بر اینکه صدور انقلاب امری جهانی و برای تمامی مسلمانان است اظهار امیدواری می کند که جمهوری اسلامی در همبستگی و اتفاق مسلمانان جهان نقش مؤثری داشته باشد (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۰۵). می توان گفت تمامی شاخصه های این نوع رویکرد در پیام امام خمینی موجود است. توجه به اراده ملت ها و استفاده از ارزش های اسلامی و معنوی برای یک خیزش همگانی علیه دشمنان مشترک ملت ها و مقاومت علیه ظلم و فشار ظالمان از مهم ترین ویژگی های این پیام و این رویکرد است.

رویکرد افراطی در صدور انقلاب (صدور نظامی)

طرفداران این رویکرد با تأکید بر روش های خشونت آمیز به ویژه استفاده از ابزارهای نظامی و در مرحله حاد (ایجاد جنگ)، معتقدند که صدور انقلاب از این روش و با این رویکرد بسیار لازم و مفید خواهد بود. این رویکرد با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب اصرار دارد که نباید به جنبش های بزرگ و کوچک ملت های دیگر بی اعتنا بود و باید با به کارگیری تمامی ابزارهای نظامی به اقدام و حمایت نظامی دست زد. این رویکرد مرزهای امروزی را نوعی دسیسه استعمار می داند و بر این نظریه پایبند است که تلاش برای از بین بردن نظام های وابسته با استعمار و استکبار از راه نظامی تنها راه برای صدور انقلاب است. رادیکالیست های انقلابی امثال محمد منتظری و طرفداران او معتقد بودند که انقلاب اسلامی بنا به ماهیت ایدئولوژیکی آن و داشتن رویکرد جهان شمولی انقلاب ضرورتاً باید به سایر کشورها منتشر گردد. طرفداران این رویکرد و به ویژه شهید منتظری اعتقاد داشتند که «اگر ما در مرزهای فلسطین اشغالی در جنگ با اسرائیل و صهیونیست های غاصب پیش دستی نکنیم، صهیونیست ها در مرزهای ما برای براندازی جمهوری اسلامی وارد جنگ خواهند شد» (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱۵).

نقطه عزیمت ورود این رویکرد به مسئله صدور انقلاب از منظر خود انقلاب بود و دنیا را میدان مبارزه‌ای برای انقلاب و انقلابی‌گری می‌دیدند (مدرسی، ۱۳۸۸: ۵۸). رویکردی که معتقد بود صدور انقلاب یک رسالت انقلابی است و برای نیل به این هدف استفاده از هر وسیله‌ای اجتناب‌ناپذیر و ضروری است؛ به همین دلیل فعالیت‌های گسترده‌ای را برای ارتباط با کشورهای چین، پاکستان، لبنان، مصر و لیبی در راستای صدور انقلاب انجام می‌دادند (مهاجری، ۱۳۸۸: ۵۹). از مهم‌ترین ویژگی‌های طرفداران این رویکرد صدور قهرآمیز انقلاب است. از دیگر ویژگی‌های این رویکرد اعتقاد به صدور یک‌باره و تهاجمی انقلاب است که در نقطه مقابل صدور انقلاب تدریجی (صدور انقلاب نرم) قرار می‌گیرد. طرفداران این رویکرد معتقدند صدور انقلاب از طریق آگاهی بخشی، یک نوع انحراف و تاکتیک انحرافی است و سیره مسلمانان صدر اسلام باید سرلوحه مسلمانان امروز قرار گیرد. روابط طرفداران این رویکرد با سایر جریان‌های سیاسی هم بر پایه اصل قرار دادن مفهوم صدور انقلاب و زمینه‌های اعتقادی و اجرایی آن در بین سایر جریان‌ها تعریف می‌شود؛ به همین دلیل طرفداران این رویکرد اعتقادی به دیگر جریان‌های سیاسی از جمله جبهه ملی و ملی‌گراها نداشته و این برخورد از آنجا ریشه می‌گیرد که این جریان‌ها را مانع صدور انقلاب می‌دانند.

روند تقابل جویانه نظری تا تشکیل حکومت جهانی اسلام در مفهوم صدور انقلاب امام خمینی

امام خمینی از طریق نفی دوگانه الگوی آمریکایی به علت کیش منفعت، شهوت و الگوی مارکسیست به علت الحاد رسمی که در شعار «نه شرقی و نه غربی» تبلور می‌یافت، سنت عدم تعهد خود را که اختصاص به تعداد زیادی از ملل جوان داشت، تجدید نمود (توشار بوسکه و خدادادیان، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

حادثه گروگان‌گیری و تسخیر سفارت آمریکا به‌مثابه نقطه آغاز سیادت آرمان‌گرایان انقلابی بر ملت‌گرایان انقلابی بود. رویکرد تقابل جویانه ایدئولوژیک امام خمینی در

ده سال بعد از پیروزی انقلاب که می توان آن را در رویکرد صدور انقلاب امام خمینی هم مشاهده کرد، در جریان تسخیر سفارت آمریکا که در یک عمل عینی نمود پیدا کرد، به اوج خود رسید و به دلیل آن که یکی از مهم ترین اتفاق هایی است که پیامدهای بسیار مهمی (چه در داخل و چه در خارج از ایران) دارد، به عنوان نقطه عطفی در بررسی جهان بینی رهبران انقلابی در مواجهه با صدور انقلاب به شمار می رود. موضع مواجهه جویانه با آمریکا، به وسیله تسخیر سفارت آمریکا به عنوان لانه جاسوسی استکبار در ایران شکل تندتری به خود گرفت. فضای انقلابی، بحران ها و مشکلاتی که در داخل ایران روی می داد و به اعتقاد انقلابیون، دشمنی آشکار قدرت های جهانی با اهداف و ماهیت انقلاب اسلامی در تشدید این بحران ها باعث شد تا در آبان ماه سال ۱۳۵۸ این سفارت به اشغال انقلابیون در آید و امام خمینی این حرکت را به عنوان انقلاب دوم و انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول نامیدند (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۱۰: ۵۲۹-۵۱۹). نام گذاری این رویداد به عنوان انقلاب دوم، ماهیتی جهانی برای یک رویداد برای ایجاد یک فضای تقابل و هم آوردی در عرصه نظری با قدرت های استکباری داشت. بی اهمیت بودن پیامدهای آن برای منافع ملی و همچنین عدم محاسبه هزینه های آن نشان از رویکرد ایدئولوژیک این رفتار تقابل جویانه داشت. آمریکا به عنوان مظهر تمام بدی ها و از آن مهم تر حامی رژیم های ارتجاعی منطقه و اسرائیل، که بعد از پیروزی انقلاب به عنوان دشمن درجه یک اسلام معرفی شده بود، مورد هدف این اقدام تقابل جویانه قرار گرفت. ارائه لقب «جهان خوار» به آمریکا نشان از یک تقابل با قدرتی استکباری داشت که اهداف اشاعه ارزش های انقلابی و مواجهه با آن را نشانه رفته بود. از طرف دیگر جمهوری اسلامی با پیگیری سیاست نه شرقی و نه غربی از پذیرش پیوستن به بلوک های دو گانه شرق و غرب خودداری کرد و داعیه دار ایدئولوژی جدید اسلام سیاسی در جهان شد. از این رو طبیعی بود که سردمداران دو بلوک شرق و غرب تمام توان خود را در راه جلوگیری از دستیابی جمهوری اسلامی و آرمان هایش به کار گیرند که نمونه روشن آن کمک همه جانبه آمریکا و شوروی به عراق و کشورهای عربی در جنگ هشت ساله با ایران بود.

امام خمینی در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود به فشار قدرت‌های جهانی برای ضربه زدن به ملت و انقلاب ایران اشاره می‌کردند و در کنار آن پیروزی انقلاب و جبهه ستم‌دیدگان را قطعی می‌دانستند. امام خمینی در رویکرد تقابل جویانه با بنیان‌های اسلامی، یک فضای فراملی و جهانی و الزام‌آور از صدور انقلاب ترسیم کرد. ایشان اشاره می‌کنند:

ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر اینکه ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم؛ زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۲: ۲۰۲).

امام خمینی حتی جنگ بین ایران و عراق را جنگ دو دولت معرفی نمی‌کردند و اعتقاد داشتند که به وجود آمدن این جنگ به کمک قدرت‌های استکباری بوده و هدف آن از بین بردن انقلاب اسلامی است و این جنگ را جنگ اسلام و کفر معرفی کردند و پیروزی در جنگ علیه «کفار» را پیروزی تمام مسلمانان و انسان‌های حق جو می‌دانند.

شما الآن از تمام اطراف دنیا هدف هستید؛ یعنی، این انقلاب اسلامی ایران همچو در دنیا چهره پیدا کرده است که همه قدرتهای بزرگ را به وحشت انداخته است که مبادا این انقلاب به آن چهره واقعی که دارد، همه جا توجه به آن بکنند و یک وقت ابرقدرت‌ها ببینند که ممالک اسلامی و ممالک دیگر هم از دست آنها رفت. از این جهت، کوشش می‌کنند، به همه قوا کوشش می‌کنند که اینجا، که هسته مرکزی این انقلاب و نهضت اسلامی است، اینجا را بکوبند. (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵: ۳۶۸).

یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی این بود که ایدئولوژی و آرمان‌های خویش را به سراسر دنیا صادر کند و به‌زعم انقلابیون این چیزی بود که شدیداً جهان غرب را نگران می‌کرد، به همین دلیل حمایت غرب از عراق در زمان جنگ بود. برخی از کشورهای ارتجاعی وابسته منطقه از جمله عربستان نیز از این رویه نگرانی جدی داشتند (توشار بوسکه و خدادادیان، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

تحول مفهوم ملی‌گرایی و صدور انقلاب در دوران جنگ

جنگ می‌تواند صدور انقلاب را با معضلاتی جدی و بغرنج روبه‌رو کند. آسیب‌پذیری ساخت‌های اقتصادی و ضربه دیدن روحیه جمعی در اثر تحولات جنگ چه بر اثر شکست‌ها و چه بر اثر تجربه‌های وحشتناک دوران جنگ می‌تواند تحولات عمیقی را در رویکردها، آرمان‌ها و ارزش‌های جاری در جامعه داشته باشد. بروز و ظهور بحران‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ بیشتر می‌تواند به‌عنوان عاملی محدودکننده در جریان صدور انقلاب ایفای نقش کند. بسیج یکپارچه تمامی امکانات جامعه در راستای تأمین نیازهای جامعه جنگ‌زده می‌تواند امکانات و انرژی‌ای که می‌توانست صرف صدور انقلاب شود، را به خود مشغول سازد؛ همچنین می‌تواند باعث تغییر ماهیت صدور انقلاب شود؛ بدین معنا که سرگرم شدن جامعه انقلابی در تحولات جنگ می‌تواند بنابر مقتضیات ناشی از جنگ ماهیت صدور انقلاب را تغییر دهد و صدور انقلاب را از حالتی تهاجمی به حالتی تدافعی تبدیل کند. به این دلیل که نیروهای انقلاب صرف دفاع از کشور و تمامیت ارضی و در مرحله پس از جنگ صرف بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ می‌گردد (فلاح نژاد، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

با توجه به بروز جنگ تحمیلی در ایران که از شهریور ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۷ به طول کشید، همچنین با توجه به ابعاد بین‌المللی و دخالت دولت‌های غربی، در بررسی تحول رویکردهای صدور انقلاب از تباطؤ مستقیمی با تداوم انقلاب وجود دارد. از اقداماتی که در دوره دفاع مقدس انجام شد (که هیچ‌یک از آنها در راستای صدور قهری انقلاب نیست، بلکه نشان‌دهنده صدور نرم انقلاب و مورد توجه قرار دادن مصلحت کلیه مسلمانان است) می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تشکیل کمیته‌ای در وزارت امور خارجه برای تدوین و تعیین اصول و مبانی ایدئولوژیک سیاست خارجی؛
- طرح و برنامه‌ای برای تشکیل جبهه اسلامی در سراسر جهان؛

- شورای انقلاب اسلامی که در برگیرنده مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، جنبش انقلاب اسلامی جزیره العرب، جبهه آزادی‌بخش بحرین و گروه‌های آزادی‌بخش لبنان بود (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۸: ۶۰).

جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کرد از فرصت پیش آمده پس از تجاوز عراق به منظور تبیین و ترویج اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی استفاده کنند و از این رو صدور تدافعی انقلاب اسلامی در اولویت سیاست خارجی قرار گرفت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۳۵۱).

تلاش‌ها و اقداماتی که طی چندین سال جنگ تحمیلی برای صدور انقلاب شده است، نشان می‌دهد که صدور انقلاب در رویکرد امام خمینی با وقوع جنگ تحمیلی و با توجه به تمامی پیامدها و تأثیرات عامل جنگ در بستر جامعه انقلابی ایران در اولویت قرار گرفته و جنگ نه تنها عاملی برای عقب‌نشینی از موضع صدور انقلاب نشده است، بلکه با تغییر ماهیت جنگ به یک جنگ همه‌جانبه وارد مرحله فعال‌تری گردیده و مضامین جهانی صدور انقلاب با توجه به رویکرد امام خمینی، بیش از پیش در فضای جهانی و همدلی امت اسلامی ترسیم شده است. به نظر می‌رسد ارتباط مستقیم جنگ و گستردگی ابعاد آن برای انقلاب اسلامی و تهدید و خطر آن برای موجودیت انقلاب، دلیل اصلی این تحول در رویکرد صدور انقلاب در نزد رهبر انقلاب اسلامی ایران باشد.

روند جنگ طوری پیش می‌رفت که پیروزی‌های رزمندگان اسلام روزنه امیدی برای دنبال کردن خط‌مشی آرمان‌گرایانه به شمار می‌رفت. امام خمینی با استفاده از مفاهیم قرآنی، این جنگ را جنگ بین اسلام و کفر نامید و این عرصه را فرصتی برای اثبات حقانیت انقلاب و اسلام راستین می‌شمرد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۲۳۹-۲۳۰). ایشان برخلاف دولت عراق که جنگ را عرصه‌ای برای تقابل نژادی بین اعراب و ایرانیان می‌دانستند، با قرارداد آن در یک فضای ایدئولوژیک و تقابل بین اسلام و کفر از این بحران به وجود آمده فرصتی برای صدور انقلاب به وجود آورد. پیروزی در این جنگ

پیروزی آرمان‌های انقلاب به شمار می‌رفت و شکست در آن شکست ام‌القرای اسلام را در پی داشت. بر همین اساس می‌فرمایند:

ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود (امام خمینی، ۱۳۸۹ ج ۲۱: ۲۸۴).

فلسفه جهاد و شهادت و ایثار، توحید و قیامت همه از عوامل محرک و تقویت‌کننده‌ای هستند که در این دهه با استفاده از آن‌ها یک جنگ نابرابر را سامان دادند (رحیمی، ۱۳۸۸: ۷). همین تفکر و رویکرد، یک تمایز ویژه بین تمامی کشورها در شرایط جنگی بود؛ زیرا هیچ نوع محاسبه‌گری ناشی از سود و زیان ملی، جغرافیایی و سیاسی بر آن محتمل نبوده است. رویکرد ایدئولوژیکی امام خمینی تأثیر زیادی در این برداشت از جنگ داشته است.

مفهوم ملی‌گرایی در رویکرد صدور انقلاب از منظر امام خمینی

مهم‌ترین تأکید امام خمینی بر امت محوری در مقابل ملت‌گرایی است. مهم‌ترین روش در رویکرد امام خمینی ایجاد یک فضای وحدت‌جویانه در چالشی‌ترین مسئله بین‌المللی انقلاب، یعنی صدور انقلاب است. گزاره‌هایی که در مورد صدور انقلاب تعیین و معرفی می‌شدند، همگی نشان از مفاهیمی هستند که ویژگی‌های مشترک مسلمانان و ملت‌های منطقه را هدف قرار داده است. این رویکرد حتی به مقابله با ملی‌گرایی افراطی که از سوی برخی تبلیغ می‌شد، می‌پرداخت. چنانچه ایشان بیان نموده‌اند:

اینکه من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است برای این است که این ملی‌گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد، و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا را در مقابل کذا (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۸۷).

این امر با تأکید بر وحدت مسلمانان و تشکیل امت واحد جهانی است. این اقدام یکی از مهم‌ترین عامل‌های تعیین‌کننده آینده جهان اسلام و یکی از مؤثرترین عوامل خیزش و بیداری مسلمانان علیه نظام سلطه است. امام خمینی با محوریت قرار دادن منافع عموم مسلمانان، ملت‌گرایی را یکی از نقشه‌های مستکبرین به‌عنوان دشمنان اسلام می‌داند. آنچه‌آن که طبق بیان ایشان از نقشه‌های بزرگ آن‌ها مسئله ملت‌گرایی است.

اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، تُرک را، فارس را همه را با هم متحد کند. و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می‌خواهند سلطه بر این دولتهای اسلامی و مراکز اسلام پیدا بکنند، نتوانند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۴۴۳).

از دیدگاه امام خمینی، نهضت و انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان الگو و سرمشق برای دیگر کشورها، سرنوشت امت‌های اسلامی را در قرن دیگر دگرگون خواهد کرد که زمینه‌های این پیش‌بینی، در خیزش و بیداری کشورهای مسلمان علیه نظام سلطه جهانی بارز است.

نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهند نمود. امید واثق که شرق در بند، و خصوصاً کشورهای اسلامی، در زیر پرچم توحید به مبارزات خود برای استقلال و آزادی ادامه داده، تا از چنگ غرب و شرق توطئه‌گر نجات پیدا کنند؛ و این قرن، قرن نورانی کشورهای اسلامی باشد (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۳۶۴).

با توجه به رویکرد امام خمینی، صدور انقلاب ایجاد یک وحدت همه‌جانبه از سوی ملت‌های مسلمان براساس ماهیت و آموزه‌های مشترک در اسلام است. برای رسیدن به هدف نهایی که همان حرکت یک‌پارچه جامعه بشری به سوی شکوفایی همه استعدادها، نهفته بشری و ارزش‌های ممکن و بارور شدن انسان در همه ابعاد وجودی اوست. از نظر امام خمینی دولت‌ها صرفاً به پشتیبانی ملت‌ها و در راستای تحصیل منافع و مصلحت آن‌ها معنا و مفهوم می‌یابد و بدون وجود جامعه انسانی یا همان ملت، دولت مفهومی نخواهد داشت (جوادی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۰). از جمله مهم‌ترین اقداماتی که امام خمینی برای

یک دست کردن امت اسلامی و تلاش برای یک روند امت‌سازی و تلاش برای جلوگیری از سوء استفاده برخی کشورهای منطقه و استفاده از مفاهیم نژادی و مذهبی انجام دادند، ایجاد نمادسازی با هدف تجمیع تمامی ملت‌های مسلمان و منطقه برای یک هدف مشترک بود؛ از جمله آن‌ها می‌توان به ایجاد راهپیمایی برائت از مشرکین در مراسم حج و تعیین جمعه آخر ماه رمضان به عنوان روز جهانی قدس اشاره کرد. جهانی کردن این روز با تلاش امام خمینی، نقطه عطفی در بیداری اسلامی است که مهم‌ترین کار ویژه صدور انقلاب در رویکرد ایشان محسوب می‌شود. امام خمینی ضمن اتخاذ سیاست ثابت و پایدار در قضیه فلسطین، هدف از این اقدام را همبستگی تمامی مسلمانان می‌داند. با این امید که انقلاب اسلامی ایران با ایجاد ارتباط بین ملت‌ها و تلاش همگانی برای رسیدن به هدف والای جامعه بشری به اهداف خود دست یابد. امام خمینی در پیامی با خطاب قرار دادن عموم مسلمین می‌فرماید:

من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بیوندند. و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۹: ۲۶۷).

امام خمینی با اقدام به اعلام راهپیمایی برائت در مراسم حج، افکار بسیاری از مردم مسلمان و غیرمسلمان را به خود جلب کرد و محتوای اسلامی حج را برائت از مشرکین و از وظایف سیاسی حج دانست.

حجاج به وظیفه خود که برائت از مشرکین و امریکا و اسرائیل است عمل می‌کنند. ممکن نیست حجاج ما به حج بروند و دست به تظاهرات علیه استکبار جهانی زنند. اصولاً برائت از مشرکین از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج ما حج نیست (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ۲۲).

ایشان با این اقدام در تلاش بود تا با ایجاد یک جبهه واحد از مسلمین، به مصاف با مستکبرین رود. همچنین به تلاش دشمن‌گونه دولتهایی چون عربستان که به تلاش‌های

نژادی برای منزوی ساختن انقلاب اسلامی می‌پرداختند، پاسخی از نوع همبستگی اسلامی بدهد.

جایگاه ملی‌گرایی در سال‌های پایانی دهه شصت

پس از پایان یافتن جنگ در دوران دولت هاشمی رفسنجانی، سیاست خارجه جمهوری اسلامی ایران رویکردی درون‌نگر به خود گرفت و سعی بر این داشت تا الگو مدلی موفق در توسعه اقتصادی و معیشتی از انقلاب ارائه دهد (یزدانی و خجسته، ۱۳۹۱: ۷۹). هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، این‌گونه بیان می‌کند که:

اگر بتوانیم مدلی از توسعه و پیشرفت و تکامل محتویات اسلامی به جهان ارائه دهیم، آنگاه صدور انقلاب اتفاق می‌افتد (محمدی، ۱۳۸۵: ۷۸).

هاشمی رفسنجانی چندان معتقد به دخالت دادن پارامترهای ایدئولوژیک در فرایند صدور انقلاب و سیاست خارجی نبود و نگاه واقع‌بینانه او در رفتارهای سیاسی و نظام اندیشه‌ای قابل ردیابی است. باید گفت که روند ایدئولوژیک‌زدایی از چهره سیاسی کشور از سال ۱۳۶۸ شروع شد و نقطه مشخص آن را می‌توان در استفاده گسترده رفسنجانی از تکنوکرات‌ها در مدیریت اجرایی کشور دید.

هاشمی رفسنجانی از همان زمان پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به رویکرد خود به مسائل انقلاب، اصول انقلابی را چنان ثابت و مطلق نمی‌دید که نتوان از آن عدول کرد؛ بلکه اصول انقلابی در نگاه وی چنان بود که ماهیت متغیر و پویایی را اعاده می‌کرد. بر این مبنا سیاست خارجی ایران بر پایه چنین مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها مفهوم ثابتی نیست و متغیر است؛ بنابراین در رویکرد سیاست خارجی هاشمی رفسنجانی مبنای اقدام و کنش در ساحت سیاست خارجی و به‌خصوص در مسئله صدور انقلاب از حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش تا قرار گرفتن در چارچوب کنفرانس کشورهای اسلامی در حال تغییر و انعطاف است.

در دوره هاشمی رفسنجانی با پذیرش صدور انقلاب به‌عنوان یکی از اصول غیرقابل انکار در سیاست خارجی انقلاب اسلامی، جنبه‌های معنوی صدور انقلاب مورد تأکید قرار گرفت. مشخص‌ترین نظر هاشمی رفسنجانی در مورد صدور انقلاب این است که صدور انقلاب، یعنی صدور اندیشه انقلاب، نه دخالت در امور دیگران. صدور اندیشه هم چیزی نیست که بشود با سرباز جلوی آن را گرفت، اندیشه از لیزر هم قوی‌تر است (روزنامه اطلاعات، ۶۹/۱۰/۰۴).

رویکرد هاشمی رفسنجانی نشانگر یک واقع‌بینی و انعطاف‌پذیری در مسائل مربوط به صدور انقلاب است که در چند ویژگی می‌توان آن را بیان کرد:

- اتخاذ یک رویکرد واقع‌بینانه در مورد سیاست خارجی؛
- اقدامات هاشمی رفسنجانی در ارائه یک برنامه و سیاست تنش‌زدایی قابل مشاهده بود. مهم‌ترین پیامد اجرای این رفتار، عادی شدن روابط با غرب با وجود برخی اتفاقات مانند اتفاق می‌کونوس بود. باید تأکید کرد که خط‌مشی عملی سیاست خارجی ایران در دوره هاشمی رفسنجانی، سیاست عادی‌سازی روابط و ضرورت عنایت به مسائل اقتصادی و امنیتی و تأمین منافع ملی در بعد اقتصادی بوده است (ازغندی، ۱۳۸۸: ۱۴)؛
- تلاش برای از بین بردن مشکلات و مسائل بیرونی ساختار انقلابی با ارائه یک رویکرد متعادل‌تر در سیاست خارجی؛ به‌این ترتیب با آغاز روند تنش‌زدایی در سیاست خارجی طرح تعابیر و تفاسیر بدیعی از برخی مضامین و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ضرورت می‌یافت تا هر چه بیشتر از موانع و محدودیت‌های موجود در روابط و مشکلات پیش روی دست‌اندرکاران نظام کاسته شود. در این مقطع با شاخص کردن جنبه‌های معنوی صدور انقلاب تلاش گردید تا این مسئله با نگاه معتدل‌تر و البته واقع‌بینانه‌تری دنبال شود. به نظر می‌رسد در رویکرد اتخاذ شده از سوی هاشمی رفسنجانی اصل ام‌القری دارالاسلام مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است؛

- ماهیت تغییر و پویایی در اندیشه و عمل ایشان؛ هاشمی رفسنجانی تلاش کرد این رویکرد را با توسعه روابط منطقه‌ای به‌خصوص با کشورهای اسلامی منطقه عملی نماید. در این مورد می‌توان به افزایش همکاری با کشورهای منطقه که دارای نفت هستند، اشاره کرد. تأمین منافع اقتصادی از طریق این روابط مهم‌ترین هدف در اقدام‌های هاشمی رفسنجانی به‌شمار می‌رود. تغییراتی از این دست با توجه به چند سال گذشته از عمر انقلاب، تغییراتی ملموس و پر مفهوم در بخش داخلی و بین‌المللی بوده‌اند؛

- مقدم شمردن مصلحت بر ایدئولوژی که مهم‌ترین پیامد آن ایجاد یک فضای تنش‌زدایی است. این تغییر الگو با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ و شروع دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تقویت گردید. رویکرد رفسنجانی نیز در سخنرانی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه تهران در مورد پیاده کردن سیاست تنش‌زدایی نیز به خوبی مشخص است. همانطور که ایشان بیان می‌کنند مجموعه شرایط بین‌المللی شرایط تنش‌زدایی است و طبعاً اگر بنا باشد تنش‌زدایی باشد، خاورمیانه و به‌خصوص خلیج فارس جزء مهم‌ترین نقطه‌هایی هستند که شرط آرامش دنیا هستند و اگر اینجا آرامش نباشد، جاهای دیگر نیز نمی‌تواند آرامش داشته باشند (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰: ۱۵-۲۷).

هاشمی رفسنجانی در ارائه رویکرد خود بر این باور است که در گذشته نسبت به شعار «نه شرقی، نه غربی» خطاهایی صورت گرفته است. وی معتقد است در اواخر جنگ، شرایطی که با همسایه‌ها، مسلمان‌ها و دولت‌های شرقی و غربی درست شده بود، با ما سازگاری نداشتند و ما هم با آن‌ها سازگاری نداشتیم. متأسفانه از شعار نه شرقی و نه غربی برخی تفسیرهای عوامانه شده که ما باید با همه همکاری نداشته باشیم، اما هدف این نبود بلکه [مسئله] در مورد وابستگی بود که ما باید بدون وابستگی و با استقلال کامل سیاست خودمان را داشته باشیم (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۱: ۷).

یکی دیگر از شاخصه‌های رویکرد صدور انقلاب در اواخر دهه شصت که برگرفته از شخصیت هاشمی رفسنجانی بود، اتخاذ نوعی حساسیت‌زدایی و تنش‌زدایی، از همان ابتدای پیروزی انقلاب بود. ایشان در مصاحبه‌ای می‌گوید «سیاست ما در هیچ زمینه‌ای سیاست انزواطلبی نیست، بلکه شکلی منطقی، مردمی و فعال دارد. در همین ارتباط تلاش می‌کنیم فکر و اندیشه اسلامی خود را در جهان امروز گسترش دهیم و منظور ما از صدور انقلاب همین گسترش فکر و اندیشه است که به اعتقاد ما نیاز جهانی کنونی است و به هیچ وجه دخالت در امور دیگران اینگونه که رسانه‌های استکباری به آن دامن می‌زنند، نیست (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی درک نخبگان سیاست در اواخر دهه شصت گرایش بیشتری به مفهوم ژئوپولیتیک داشت تا مسائل ایدئولوژیک که این تغییر را در رفتارهای رسمی جمهوری اسلامی در این دوره می‌توان مشاهده کرد. در واقع می‌توان گفت که موضع ایران در جنگ خلیج فارس و عدم حساسیت زیاد به حضور نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس، دو نمونه از سیاست‌های دولت هاشمی رفسنجانی بود. به طوری که ایشان بر این باور است که اگر آمریکا اثبات کند که واقعا دیگر خواهان شرارت و شیطنت نیست، آن موقع ما می‌توانیم با آمریکا روابط داشته باشیم. (هاشمی رفسنجانی؛ ۱۳۸۰: ۲۵).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب‌های بزرگ در جهان معاصر است که با توجه به ماهیت اسلامی خود موضوع صدور انقلاب در آن، از همان ابتدا مورد توجه قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، رویکردهای مختلفی از صدور انقلاب مورد توجه قرار گرفت. امام خمینی به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی با توجه به مبانی اعتقادی و انسان‌شناختی خود، رویکرد ایدئولوژی محور از صدور انقلاب را ارائه کرد. مهم‌ترین ویژگی این رویکرد، به وجود آمدن یک فضای تکلیف محور در ساحت صدور انقلاب است که بر این اساس

تلاش بر این بود تا با توجه به آموزه‌های اسلامی و با تأکید بر جهانی بودن انقلاب ویژگی فراملی بودن انقلاب اسلامی اهداف انقلاب اسلامی را صادر نماید.

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی هم‌زمان با به وجود آمدن بحران‌های بسیار عمیق، زمینه برای غالب شدن شکل ایدئولوژیک صدور انقلاب میسر گردید. جنگ تحمیلی مهم‌ترین اقدام عملی دشمنان انقلاب بود که برای نابودی اساس انقلاب ایجاد گردید. امام خمینی با معرفی این جنگ به عنوان جنگ اسلام با کفر، این جنگ را نبردی فراتر از جنگ و نزاع بین دو ساختار سیاسی دو کشور نامید. جنگی که تمام قدرت‌های استکباری تلاش می‌کردند تا تنها پایگاه نجات‌بخش اسلام و بیداری مسلمین را نابود کنند. به وجود آمدن این فضای تقابلی جویانه فرصتی به نگرش‌های ملی و نژادی در ساختار سیاست خارجی و به تبع آن مسئله صدور انقلاب نمی‌داد. در سال‌های دوران جنگ تحمیلی و با توجه به شخصیت کارزماتیک امام خمینی این رویکرد و برداشت از صدور انقلاب در گفتمان رسمی انقلاب اسلامی جایگاه مسلطی را به دست آورد.

با پایان جنگ تحمیلی و همچنین رحلت امام خمینی، رویکردهای انعطاف‌پذیری از صدور انقلاب از حاشیه به متن ساختار سیاسی آمد که در آن رویه‌هایی از توجه به ملی‌گرایی و ساختن یک جامعه الگوی انقلابی به عنوان فرصتی برای پذیرش بیشتر و بهتر ارزش‌های انقلابی در جوامع هدف مورد توجه قرار گرفت. رویکردی که تمایل به برقراری روابط بیشتر با دولت‌های منطقه و با برداشتی ملی‌گرایانه‌تر از صدور انقلاب همراه بود که زمینه‌ساز تحول در اتخاذ رویکردهای تحول‌گرا در دوره‌های بعدی جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

منابع

۱. اسپوزیتو، جان. ال. (۱۳۸۷)، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن شانه چی، انتشارات: سروش.
۲. بازرگان، مهدی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
۳. پروانه، محمود (۱۳۸۸)، «صدور انقلاب به مثابه نقشه راه جهان گرایی در اندیشه سیاسی امام خمینی»، انسان پژوهشی دینی (دین و سیاست)، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۱۸۳-۱۷۱.
۴. توشار بوسکه، پاتریس و اردشیر خدادادیان. (۱۳۸۴)، قرن زیاده روی‌ها، ترجمه عباس صفریان، تهران: نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۵. خمینی (امام)، سید روح الله. (۱۳۸۹)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم.
۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و فیروزه رادفر. (۱۳۸۹)، الگوهای صدور انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. فتحی، یوسف. (۱۳۹۳)، «نسبت صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی از منظر امام خمینی»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۶، صص ۹۰-۷۱.
۸. فرزندی اردکانی، عباسعلی. (۱۳۸۶)، «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی»، پژوهشنامه متین، شماره ۳۶، دوره ۹، صص ۱۱۷-۹۷.
۹. «یادمان شهید محمد منتظری»، (۱۳۸۸)، ماهنامه یاران، شماره ۴۸، صص ۱۲۵-۲.
۱۰. محمدی، سالار. (۱۳۸۵)، «انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۱.
۱۱. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر. (۱۳۹۰)، آغاز بازسازی، کارنامه و خاطرات سال ۶۷، تهران: دفتر نشر معارف.

۱۲. _____ (۱۳۸۰) «گفتگو با آقای هاشمی رفسنجانی در مورد مسایل سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۲۷، صص ۲۱-۳۳.
۱۳. _____ (۱۳۸۶) «کارآمدی نظام جمهوری اسلامی»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هشتم، شماره چهارم، صص ۲۵-۷۳.
۱۴. _____ (۱۳۸۰)، «رویکرد اسلامی به سیاست»، مجله دین پژوهان، شماره ۵، صص ۱-۱۱.
۱۵. _____ (۱۳۸۶) مصاحبه‌ها (سال ۱۳۶۳)، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.



